

برنامه‌ی درسی و

کتاب یک رسانه است. از یک منظر کلی، هر رسانه‌ای آموزشی است. از هر رسانه می‌توان آموخت؛ حتی فیلمی که صرفاً به قصد سرگرمی ساخته شده باشد. با این دیدگاه می‌توان تصور کرد که در خواندن هر کتابی، آموزشی نهفته است و به این ترتیب هر کتابی را می‌توان آموزشی دانست. اما اگر بخواهیم اختصاصی‌تر و عمیق‌تر به موضوع نگاه کنیم، کتاب آموزشی می‌تواند دقیق‌تر تعریف شود. در واقع کتابی آموزشی تلقی می‌شود که به قصد و هدف آموزش نگاشته شده باشد. برای مثال، می‌توان از خواندن یک داستان پندی گرفت و نکته‌ای آموخت، اما هدف و قصد آن داستان یا رمان، آموزش به معنی اسمی آن نیست. شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی کتاب که آن را ماهیتاً آموزشی می‌کند، این است که کتاب در راستای برنامه‌های درسی مصوب آموزشی باشد. هر نوع دیگر رسانه هم که در راستای برنامه‌ی درسی باشد، رسانه‌ای آموزشی محسوب می‌شود. برای مثال، شما می‌توانید با دیدن فیلم‌های مستند مطالب زیادی یاد بگیرید، اما وقتی یک مستند به قصد آموزش مفهوم یا هدف خاص ساخته و تولید می‌شود، به آن مستند آموزشی می‌گویند.

این رسانه‌ها، اعم از مکتوب و غیرمکتوب، می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اهداف برنامه‌ی درسی مربوط شوند. وقتی یک کتاب تمرین برای ریاضیات اول، راهنمایی تدوین می‌شود، به طور مستقیم بر اهداف برنامه‌ی درسی ریاضی سال اول راهنمایی تأکید می‌کند. اما وقتی در یک کتاب سرگرمی و ریاضی، معماهایی وجود دارد که برای پاسخ دادن و حل آن‌ها به دانش ریاضی احتیاج است که در کلاس اول راهنمایی هم تدریس می‌شود، این اثر به طور غیرمستقیم به برنامه‌ی درسی کمک می‌کند. یا دانش‌آموزان فیلم‌های زیادی از طریق سیمای جمهوری اسلامی می‌بینند که مکمل و متمم بخش‌های زیادی از برنامه‌های درسی، مثل علوم، تاریخ، جغرافی و اجتماعی است. بنابراین می‌توان برنامه‌ی درسی مصوب آموزشی را محور آثار آموزشی دانست. حال اگر این آثار آموزشی نیز در راستای برنامه‌ی درسی مصوب آموزش و پرورش تولید شوند، به برنامه‌ی آموزش و پرورش رسمی نیز مرتبط می‌شوند.

طرح سامان‌بخشی در واقع به بررسی چنین آثاری می‌پردازد. منظور از کتب آموزشی، کتاب‌های مرتبط با برنامه‌ی درسی مصوب آموزش و

کتاب‌های آموزشی

پرورش کشور ایران است. به همین دلیل در اولین گام بررسی آثار رسیده، گروه و برنامه‌ی درسی مرتبط با آن شناسایی و تعیین می‌شود تا به این ترتیب، کتاب‌ها اولین مرحله‌ی طبقه‌بندی را پشت سر بگذارند. اگرچه همیشه آثاری وجود دارند که کار تشخیص را دشوار می‌کنند، اما در اغلب موارد می‌توان تعیین کرد که اثر رسیده بیشتر به اهداف کدام یک از موضوعات درسی مرتبط می‌شود و در راستای کدام برنامه‌ی درسی است.

با توجه به اهمیت این موضوع و نقش کلیدی آن، ویژه‌نامه‌ی این شماره به همین موضوع (برنامه‌ی درسی و کتاب‌های آموزشی) اختصاص یافته است. امیدواریم این بخش سرآغازی برای نقد و بررسی چالش‌های پیش روی تولید آثار آموزشی باشد و توجه دست‌اندرکاران تولید، نشر و توزیع این نوع کتاب‌ها را به خود جلب کند.

یکی از چالش‌های پیش رو در این ارتباط، فقدان برنامه‌های درسی مصوب برای تعدادی از دروس در آموزش و پرورش است. اگرچه سال‌هاست که دفاتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (نظری- فنی و حرفه‌ای)، به عنوان متولیان تولید برنامه، مکلف به ارائه‌ی برنامه‌های درسی برای تصویب در «شورای عالی آموزش و پرورش» شده‌اند، اما تعداد کمی از این دروس تا کنون به اخذ مصوبه‌ی شورای عالی نائل آمده‌اند. اکنون این سؤال اساسی مطرح است که چگونه می‌توان آثار آموزشی مبتنی بر برنامه‌ی درسی تولید کرد، در حالی که هنوز برنامه‌ی مصوبی در کار نیست؟

در این شرایط، عموم پدیدآورندگان به کتاب درسی رجوع می‌کنند و بر اساس آن به تولید کتاب‌های آموزشی می‌پردازند. همین موضوع باعث می‌شود تا رویکرد «کتاب محوری» بیشتر تقویت شود. این در حالی است که در دیدگاه «برنامه محوری»، کتاب درسی نیز یکی از رسانه‌های مرتبط با برنامه است و نمی‌تواند محور تصمیم‌گیری باشد. به هر حال، تا وقتی برنامه‌های درسی سامان‌دهی نشود، دنبال کردن طرح سامان‌بخشی کتاب‌های درسی نیز دچار ابهام و مشکل است و با چالش‌های جدی به خصوص در مواضع قضاوت، داوری، انتخاب و نقد و بررسی شود.

امیدواریم در آینده‌ی نزدیک با نهایی شدن برنامه‌ی درسی ملی، شاهد تصویب برنامه‌های درسی مبتنی بر برنامه‌ی ملی باشیم و به جای اهمیت دادن بیش از حد به کتاب‌های درسی، رویکرد برنامه محوری را در امر آموزش تجربه کنیم.